

۱. مقدمه

در روایات و به‌ویژه در کلام حضرت علی علیه السلام صفت حسادت مذمت، و درمقابل از خیرخواهی به‌منزله صفتی پسندیده و زیبا یاد شده و بدان سفارش می‌شود. ادعیه رسیده از معصومین علیهم السلام و تأکید بر دعای خیر برای همنوعان، نشان از پسندیده بودن خیرخواهی و مذموم بودن بدخواهی و حسد دارد. تعداد روایات درباره آثار حسادت در کلام حضرت علی علیه السلام چنان فراوان است که در زشت و پلید بودن این صفت جای تردیدی باقی نمی‌گذارد. مسئله این است که حسادت چه آثاری دارد که به این شدت مذمت شده است؟ آیا این آثار محدود به جنبه‌ای ویژه از زندگی‌اند یا گستره وسیعی از زندگی انسان را دربر می‌گیرند؟ مسئله مهم تحلیل این آثار و چگونگی تأثیر آنها بر زندگی انسان است. مقاله حاضر پاسخگوی این موارد خواهد بود.

در زمینه حسد آیات و روایات بسیاری وارد، در همه کتاب‌های اخلاق به بحث حسد پرداخته شده است. غزالی حسد را از جمله مهلکات می‌داند و درباره علاج آن بیاناتی دارد ولی به اثرات حسادت نپرداخته است (غزالی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۲۳).

ملا/احمد نراقی در *معراج السعاده* حسد را شدیدترین مرض نفسانیه نامیده و از آن به عنوان دشوارترین و بدترین ردایل یاد کرده است (نراقی، ۱۳۸۷، ص ۳۶۲). ایشان بیشتر به اثرات اخروی حسادت پرداخته و اشاره کوچکی نیز به آثار دنیوی آن داشته است؛ اما تحلیلی درباره آنها ندارد. در *شرح نهج البلاغه* ابن‌میثم در ذیل کلام حضرت علی علیه السلام به اثرات جسمی و روانی حسادت اشاره شده و تحلیل مختصری از اثرات حسادت نیز ذکر شده است.

اندیشمندان معاصر نیز در زمینه حسادت و آثار آن صاحب‌نظر هستند و به پیامدهای حسادت هم توجه داشته‌اند؛ چنان‌که مقالات و کتاب‌های بسیاری نیز در این زمینه نوشته شده است؛ ولی اثرات حسادت به‌ویژه در کلام امام علی علیه السلام تحلیل و بررسی نشده است. نگاهی مجموعی به دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که به اثرات اخروی حسادت بیشتر پرداخته شده و آثار مادی و دنیوی کمتر کانون توجه بوده‌اند و جز بعضی از شارحان *نهج البلاغه* کسی به بررسی و تحلیل این موارد نپرداخته است.

خلاصه سخن اینکه یافته‌های این پژوهش می‌تواند در مقام عمل مشوق خوبی برای ترک حسادت باشد. پی بردن به اثرات وسیع حسادت می‌تواند انگیزه‌ای باشد برای شخص حسود که از تثبیت حسد حسادت در خود جلوگیری کند و برای از بین بردن آن بکوشد.

تحلیل آثار مادی حسادت در کلام امیرالمؤمنان علیه السلام

نورسته قنبرزاده / دانشجوی کارشناسی ارشد علوم حدیث، گرایش نهج‌البلاغه دانشگاه علوم قرآن و حدیث قم
nghanbarzade@yahoo.com

زهره نریمانی / استادیار علوم قرآن حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم کرمانشاه
دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۰

چکیده

هدف این پژوهش، تحلیل آثار مادی حسادت در کلام حضرت علی علیه السلام است. روش پژوهش کتابخانه‌ای و تحلیل محتواست. یافته‌های این پژوهش در زمینه آثار حسادت، تحلیل و چگونگی تأثیر این یافته‌هاست. یافته‌های پژوهش شامل آثار جسمانی، روحی - روانی، ذهنی - فکری و اجتماعی در کلام حضرت علی علیه السلام است که با توجه به کلام حضرت علی علیه السلام و علوم روز بررسی شده است. یافته‌ها شامل تأثیر متقابل پیامدهای حسادت است. به این شکل که فکر اشتباه و ذهنیت نادرست شخص حسود، اثرات روحی - روانی بر شخص دارد و تأثیرات روحی - روانی بر جسم شخص حسود نیز اثر می‌گذارد. همه این موارد به محیط پیرامون شخص حسود سرایت می‌کند و گستره آن وسیع‌تر می‌شود. نتیجه اینکه حسد و گناهانی مانند آن آثار متفاوت و وسیعی دارند؛ به‌طوری‌که سلامت فردی و اجتماعی شخص حسود در معرض خطر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: حسادت، حضرت علی علیه السلام، اثرات فردی، اثرات اجتماعی.

۲. چیستی حسد

واژه حسد را می‌توانیم از دو جنبه بررسی کنیم: ۱. معنای کلمه حسد؛ ۲. مصداق‌یابی برای حسد.

۱-۲. معنای لغوی حسد

بعضی منابع حسد را کلمه‌ای شناخته‌شده عنوان کرده و کسی را که مورد حسد واقع می‌شود، محسود نامیده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۳۰). حسد در اصل به معنای تمنای زوال نعمت یا فضیلتی است که دیگری دارد (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۹۹). همچنین از دست دادن نعمت به نفع خود شخص حسود نیز بیان شده است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۰۰۰).

ابن‌منظور می‌گوید زمانی که شخصی نعمتی را بر کسی ببیند و بخواهد از آن او شود بدون آنکه از شخص مقابل سلب شود، آن را غبطه می‌گویند و زمانی که تمنای زوال آن نعمت را از شخص داشته باشد، حسد نامیده می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۸).

بعضی غبطه را نوع ویژه‌ای از حسد به‌شمار آورده‌اند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۱۰) و بعضی آن را از حسد متمایز کرده‌اند (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۱۲۱). کلمه حسد با معانی کلماتی همچون منافسه (که در آن مانند حسد رقابت برای کسب فضیلت وجود دارد، اما آرزوی زوال نعمت دیگری در آن نیست) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۱۸)، غیرت (که در آن مانند حسد آرزوی زوال چیزی وجود دارد، درحالی‌که وجود آن چیز برای شخص به صلاح او نیست) (نراقی، ۱۳۸۷، ص ۳۶۲) و غلّ (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۹۹) وجوه مشترکی دارد، اما با آنها یکی نیست.

۲-۲. مصداق‌یابی حسد در کلام حضرت علی (ع)

برای شناخت مصادیق حسد چند نمونه از احادیث حضرت علی (ع) را بررسی می‌کنیم:

۱. «الْبَغْضُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَالتَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۰۴ق، ح ۳۴۴؛ ستایش افزون‌تر از حد خود شخص، چالپوسی و کمتر از سزاواری ایشان، ناتوانی در سخن یا حسد است.

حضرت علی (ع) در این سخن خود، از دو طرف افراط و تفریط بر حذر داشته و پیامد تفریط را حسد نسبت به فضیلت کسی که مورد ستایش است می‌داند (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۶۰۴). به عبارت دیگر ایشان تملق را در برابر حسد قرار داده است؛

۲. «الْحَاسِدُ يُظْهَرُ وَدَّهُ فِي أَقْوَالِهِ وَ يُخْفَى بُغْضُهُ فِي أَعْمَالِهِ فَلَهُ اسْمُ الصَّدِيقِ وَصِفَةُ الْعَدُوِّ» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۶۸۴۱؛ شخص حسود محبتش را در گفتارش ظاهر و بغض و دشمنی‌اش را در افعالش پنهان می‌کند و کسی است که اسم دوست و صفت دشمن را دارد؛

۳. «فَاءَ حَبِّ لَغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَآكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا» (نهج‌البلاغه، ۱۴۰۴ق، نامه ۳۱)؛ برای دیگران دوست بدار آنچه برای خود دوست می‌داری و برای دیگران اکراه داشته باش آنچه برای خود نمی‌پسندی. با توجه به اینکه مفهوم مقابل حسد خیرخواهی است، می‌توان از قاعده «تعرف الاشياء باضدادها» کمک گرفت و تعریف حضرت علی (ع) از خیرخواهی برای دیگران را در برابر حسد قرار داد؛ چون معیار در حسد بدخواهی است و در خیرخواهی معیار تعریفی است که ایشان ارائه داده است؛

۴. «وَإِنَّمَا طَلَبُوا هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَدًا لِمَنْ أَعْفَاهَا اللَّهُ عَلَيْهِ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۰۴ق، خ ۱۶۸)؛ همانا آنها این دنیا را طلبیدند؛ چون بر آن کس که خدا آن را به او ارزانی داشته است، حسد ورزیدند. / بن‌میشم در شرح این خطبه می‌گوید: «اینان از آن‌رو به طلب دنیا برخاسته‌اند که بر کسی که خداوند حق او را به وی باز گردانیده، رشک می‌ورزند» (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۵۹۰)؛

۵. «وَيَأْدَانِهِمُ الْأَمَانَةُ إِلَى صَاحِبِهِمْ وَخِيَانَتِكُمْ فِي بِلَادِهِمْ وَفَسَادُكُمْ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۰۴ق، خ ۲۵)؛ مغلوبیت و شکست هر قومی به سبب فساد آنهاست. مرحوم فیض‌الاسلام منظور از فساد را بغض، حسد، نفاق و دورویی می‌داند که موجب شکست هر قومی است (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۹۱، خ ۲۵)؛

۶. «فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ غَفِيرَةً مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ نَفْسٍ فَلَا تَكُونَنَّ لَهُ فِتْنَةً» (همان)؛ هر گاه یکی از شما برای برادر خود نوعی برتری در همسر و فرزندان و مال و یا جسم و جان ببیند، نباید نسبت به او موجب فتنه گردد. در شرح نهج‌البلاغه آمده است: منظور از فتنه در اینجا می‌تواند حسد، کینه، یأس یا سوءظن به خدا باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۴).

در مجموع، مصادیق حسد در کلام حضرت علی (ع) شامل این موارد است: ستایش کمتر از حد سزاواری شخص، دورویی و نفاق، بدخواهی، خیرخواه نبودن برای دیگران، دنیاطلبی، فساد و فتنه.

۳. آثار حسادت

پیامدهای بیماری حسادت بر اساس کلام حضرت علی (ع) به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. هرچند این دو دسته کاملاً از یکدیگر تفکیک‌پذیر نیستند، برای فهم بهتر مطالب، این تقسیم‌بندی ضروری است.

۱-۳. اثرات فردی حسادت

حضرت علی (ع) به جای نکوهش صفت بد حسادت، نتیجه عینی این صفت مذموم را به زشت‌ترین صورت جلوه می‌دهد. در ادامه احادیثی را که از ایشان در این زمینه وارد شده‌اند و بیشتر جنبه فردی دارند، به چند دسته تقسیم می‌کنیم:

۱-۳. حسد در معنای عام بیماری

در یک دسته از روایات از حسد به عنوان بیماری یاد شده است. در این روایات از عناوینی مانند مرض، داء و علت استفاده شده است که هم به بیماری جسمی اشاره دارند و هم به بیماری روحی- روانی. حضرت علی (ع) در روایات پرشماری از حسد به عنوان مرض یاد کرده است. ایشان واژه «شر الامراض» را برای بیماری حسد به کار برده است و آن را بدترین بیماری می‌داند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۶۸۱۵).

در این روایات علاوه بر واژه مرض، عباراتی نیز دال بر سخت و صعب‌العلاج بودن بیماری بیان شده است؛ واژه‌گانی چون «شر» و «لا یؤسی» (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۶۳) که دلالت بر صعب‌العلاج بودن حسادت دارند.

مطلب مهم این است که واژه «مرض» می‌تواند هم شامل بیماری‌های جسمی باشد و هم بیماری روحی. حضرت علی (ع) در عبارت «اشد من مرض البدن مرض القلب» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۳) کلمه مرض را برای هر دو نوع بیماری جسمی و روحی به کار برده‌اند. ایشان از واژه «داء» نیز برای حسادت استفاده فرموده‌اند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۶۸۲۰) و در وصف آن می‌فرمایند: «الْحَسَدُ دَاءٌ عِيَاءٌ لَا يَزُولُ إِلَّا بِهَلْكِ الْحَاسِدِ أَوْ بِمَوْتِ الْمَحْسُودِ» (همان، ح ۶۸۱۹). ایشان در این عبارت به سخت و دشوار بودن بیماری حسد اشاره می‌کنند و علاج آن را هلاکت حسود یا مردن محسود می‌دانند. «داء» در این روایت به معنای درد است. عیاء نیز به معنای «سخت» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۷۲) و کنایه از آن است که حسادت دردی است که بهبود نمی‌یابد و صعب‌العلاج است (هاشمی خراسانی، ۱۳۷۰، ص ۱۷۷).

عبارت «لا یزول» نیز دلالت بر زوال‌ناپذیر بودن حسد دارد. کلمه «داء» نیز برای هر دو حالت جسمانی و روحانی کاربرد دارد (امام (ع) در خطبه ۱۹۸ نهج‌البلاغه در وصف تقوا می‌فرمایند: «دَوَاءُ دَاءِ قُلُوبِكُمْ» که به جنبه روحی روانی اشاره دارد و در خطبه ۲۲۳ کلمه داء را برای بیماری جسمانی به کار برده‌اند.

در روایتی ایشان شخص حسود را با عبارت «ابداً علیل» وصف کرده‌اند. «علیل» صفت و به معنای بیمار (ابن‌منظور، ۱۴۱۱ق، ج ۱۱، ص ۴۷۱)، و «ابداً» منصوب به ظرفیت و به معنای همیشه است (هاشمی خراسانی، ۱۳۷۰، ص ۴۹). در بعضی نسخه‌ها «علیل» با غین (به صورت نقطه‌دار) و به معنای تشنه و یا کسی که گرمی و سوزش در دل و جان او باشد، آمده است (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۹۹). در هر دو صورت این عبارت دلالت دارد بر بیماری شخص حسود.

۲. اثرات جسمی و روحی حسادت

دسته دوم روایاتی هستند که اثرات حسد بر جسم و روح انسان را نشان می‌دهند. حضرت علی (ع) در چند روایت از عبارت «کمد» استفاده کرده‌اند. ایشان حسد را «ینشی الکمد» می‌دانند؛ به این معنا که حسادت عامل ایجاد «کمد» است. کلمه «کمد» در لغت به معنای تغییر رنگی است که اثر آن باقی می‌ماند و رنگ و صفای آن از بین می‌رود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۳۴؛ ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۱۹۹)؛ همچنین در معنای غم و غصه (همان) و حزن پنهان (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۸۱) آمده است. در شروح مختلف نیز «کمد» به معنای اندوه دائم (انصاری قمی، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۴۳۰)، بیماری دل، تغییر رنگ و رفتن صفای انسان (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۲۹۲) معنا شده است.

ایشان در روایتی دیگر درباره کسی که حسدش بسیار باشد عبارت «طال کمد» را به کار می‌برند، که معنای آن طولانی شدن اندوه و بیماری است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۶۸۲۵). در روایات پرشماری کلمه «ضنی» (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۰۴) به عنوان یکی از اثرات حسادت بیان شده است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ح ۶۸۳۳). در روایاتی هم حضرت علی (ع) این کلمه را همراه «کمد» آورده‌اند (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۸). عبارت «مُكَمِدٌ مُضْنِي» به معنای بیمارکننده است، آن هم بیماری‌ای که بهبودی در آن نباشد (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۵۶). عبارات «ضنی» و «کمد» هم برای بیماری جسمی و هم بیماری روحی کاربرد دارد.

در بعضی روایات نیز ایشان اثرات جسمی و روحی را یک جا بیان کرده‌اند: «الْحَسَدُ لَا يَجْلِبُ إِلَّا مَضْرَةً وَغَيْطًا يُوْهِنُ قَلْبَكَ وَيُمْرِضُ جِسْمَكَ وَشَرٌّ مَا اسْتَشْعَرَ قَلْبُ الْمَرْءِ الْحَسَدُ» (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۳۷)؛ حسادت نتیجه‌ای جز زیان و ناراحتی که دلت را سست و تنت را بیمار کند به بار نمی‌آورد و بدترین چیزی است که به قلب مرد وارد می‌شود.

روایاتی هم وجود دارد که به مرگ شخص حسود یا مرگ زودرس او اشاره دارند. این‌گونه روایات با تعبیرهای هلاکت (طبری آملی کبیر، ۱۴۱۵ق، ص ۳۹۹)، کوتاهی عمر (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۶۸۳۲؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۷) و از بین رفتن بدن (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۶۸۲۴) وارد شده‌اند.

۳-۱-۳. جمع نشدن سلامت و حسادت در شخص

دسته‌ای از روایات هستند که عدم ارتباط بین سلامتی و حسد را بیان می‌کنند. در این روایات حضرت علی (ع) سلامتی انسان را در کمی حسد می‌داند (نهج‌البلاغه، ۱۴۰۴ق حکمت ۲۵۶). از علی (ع) نقل شده

روحی - روانی کاملاً تفکیک پذیر نیستند؛ چون روان و بدن بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و امروزه بیش از هر زمان دیگر ثابت شده است که بسیاری از بیماری‌ها جنبه روان‌تنی دارند (ر.ک: هی، ۱۳۹۳). امام علی (ع) می‌فرماید: «الْحَسَدُ دَائِمُ السُّقْمِ وَإِنْ كَانَ صَحِيحَ الْجَسْمِ» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ح ۶۸۵۵)؛ صاحب حسد و رشک بیماری‌اش همیشگی است، اگرچه تندرست باشد؛ یعنی همیشه بیماری روحانی و غم و اندوه دارد (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۹۱).

کلمه «سقم» هم بر بیماری جسمی دلالت دارد هم بر بیماری روحی (ر.ک: نهج البلاغه، ۱۴۰۴، خ ۱۹۱ و ۲۵۱)؛ ولی در اینجا به سبب وجود عبارت «صحيح الجسم»، بیماری روحی - روانی مدنظر است. حضرت علی (ع) در روایتی دیگر حسد را «حبس الروح» معرفی کرده‌اند (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ح ۶۷۹۰). در بعضی شروح آمده است که اگر روح با فتح راء خوانده شود به معنای راحت و رحمت است و منظور از گرفتاری روح منع نفس از راحتی و رحمت است (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ص ۱۰۰). روایتی نیز با تعبیر «یزری بالنفس» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ح ۶۸۵۶) آمده است که به معیوب شدن روح و روان انسان به واسطه حسد اشاره دارد.

احادیث دیگری نیز در این زمینه وارد شده‌اند که عدم آرامش و راحتی شخص حسود را بیان می‌کنند (همان، ح ۶۸۲۶). دسته‌ای از روایات نیز نشان‌دهنده غم و اندوه (همان، ح ۶۷۸۹) و حزن همیشگی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۵۴) شخص حسودند. روایاتی نیز وجود دارند که در آنها از تعبیرهای تأسف (ابن‌ابی‌الدبید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۳۱)، حسرت خوردن شخص حسود (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ح ۶۸۵۰)، نداشتن شادی و سرور (همان، ح ۶۸۵۱)، عدم رضایت از زندگی (همان، ح ۶۸۰۸)، بغض درونی (همان، ح ۶۸۴۱)، زندان روح (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۸، ح ۸۲۷) و مانند آن استفاده شده است. از دیگر تأثیرات روحی - روانی حسادت در کلام علی (ع) می‌توان از بخل (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۳۶)، کینه (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ح ۶۷۸۸)، تندخویی (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۳۷) و خشم (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ح ۶۸۳۶) نام برد.

۳-۱-۵. اثرات ذهنی حسادت

دسته دیگر از تأثیرات فردی حسادت، اثرات ذهنی و فکری آن هستند. بیشتر اختلالات روانی و هیجانی ناشی از فکر و باور نادرست و ضعف شناخت انسان هستند. اغلب نظریه‌پردازان بر این باورند که هیجانات گوناگون مانند حسد بر اثر ارزیابی درست و یا نادرست انسان رخ می‌دهند. اگر ارزیابی انسان درست باشد، رفتار و هیجان او نیز درست خواهد بود و اگر باور و ارزیابی او نادرست باشد،

است که حسود صحت نمی‌یابد (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ح ۶۷۹۴)؛ یعنی نادر است که کسی از مرض حسد صحت یابد، مگر با مجاهده و تلاش بسیار؛ چون در هر زمان نعمتی بر دیگران وجود دارد که حسود از وجود آن در رنج باشد. حال پرسشی که اینجا مطرح می‌شود این است که منظور حضرت علی (ع) از سلامت در اینجا سلامت جسمانی است یا روحانی؟

از نظر اسلام ابعاد سلامت به سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی محدود نمی‌شود بلکه به معنای این است که فطرت و سرشت اولی انسان از آسیب مصون باشد (شجاعی و حیدری، ۱۳۸۸، ص ۴۴). راغب در تعریف سلامت، عدم ابتلا به بیماری ظاهری و باطنی را بیان می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۴۷).

حضرت علی (ع) در روایات خود مصادیقی برای سلامت معرفی کرده‌اند. ایشان در روایتی درست‌اندیشی را سلامت می‌دانند (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ح ۱۱۰۰۳) و در جای دیگر مخالفت با هواهای نفسانی را موجب سلامت انسان برمی‌شمارند (همان، ح ۴۸۷۴) که هر دو به جنبه سلامت روان اشاره دارند.

از آنجاکه بین تن و روان آدمی رابطه‌ای بسیار محکم وجود دارد، با بیمار شدن تن انسان، روح و روان او نیز نشاط خود را از دست می‌دهد و اگر روح و روان انسان بیمار شود، جسم نیز از آن متأثر می‌گردد (سروش، ۱۳۵۸، ص ۲۵)؛ هرچند به گفته حضرت علی (ع) بیماری روانی به مراتب بدتر از بیماری جسمانی است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۰۳). تعریف سلامت و بهداشت روان نزد دانشمندان نیز محدود به جسم و روان نیست؛ بلکه به وضعیت مطلوب و خوب جسمی، روحی و اجتماعی فرد که قابلیت ارتباط متعادل و هماهنگ با دیگران را داشته باشد اطلاق می‌شود (ر.ک: آذریایجانی، ۱۳۷۸).

در کلام حضرت علی (ع) نیز مفهوم سلامت دربرگیرنده معنایی وسیع‌تر است و محدود به جسم یا روح نیست؛ چراکه ایشان در بعضی روایات برای سلامت جسم از کلمه «صحة» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ح ۱۱۱۵۴) و «عافية» (همان، ح ۱۱۱۵۵) استفاده کرده‌اند و کلمه «سلامة» (همان، ح ۲۷۹ و ۳۳۲۱) برای هر دو مورد جسم و روح کاربرد داشته است.

۳-۱-۴. اثرات روحی - روانی حسادت

دسته‌ای از احادیث به آثار روحی - روانی در شخص حسود اشاره می‌کنند که تبعات جسمانی نیز دارند، ولی در درجه اول آثار روانی آنها مورد توجه است. همان‌طور که گفتیم، اثرات جسمانی و

هیجان‌های نادرستی همچون حسادت گریبان او را خواهند گرفت (سروش، ۱۳۵۸، ص ۵۳). فکر و ارزیابی نادرست عامل ایجاد حسادت است، اما آیا حسادت نیز بر فکر و ذهن انسان تأثیر دارد؟ از آنجاکه شخص حسود همه حواس و فکر خود را متوجه محسود می‌دارد، به گفته حضرت علی (ع) اشتغال به زیادت‌ها او را از مهمات زندگی باز می‌دارد (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۹۳). از سوی دیگر شخص حسود پیوسته خواهان بدی برای محسود است و همین اندیشه بد و بدخواهی اثراتی نامطلوب بر شخص حسود می‌گذارد؛ درحالی‌که آرزوهای خوب و فکرهای نیک که حضرت علی (ع) از آنها با عنوان «اخلاق الرغیبه» (همان، ج ۳۲۴؛ نهج البلاغه، ۱۴۰۴، خ ۱۹۲) یاد می‌کنند، خلاف آن چیزی هستند که شخص حسود در ذهن و فکر خود دارد. در علم روان‌شناسی این مسئله مطرح شده است که اگر مغز انسان اوصافی را آرزو داشته باشد، سرانجام به همان اوصاف خواهد رسید (موسوی لاری، ۱۳۶۲، ص ۱۰۸).

اثر ذهنی دیگری که حضرت علی (ع) به آن اشاره می‌کنند عدم باور فضیلت دیگران توسط شخص حسود است. حضرت علی (ع) از پیامبرانی نام می‌برند که یک‌به‌یک مورد حسادت دیگران واقع می‌شدند و علت آن هم این بود که مردمان هر عصر پیامبران را فردی مانند خود می‌دانستند و فضیلت و برتری آنان را نسبت به خود باور نمی‌کردند (طبری آملی کبیر، ۱۴۱۵، ص ۳۹۷).

۲-۳. اثرات اجتماعی حسادت

از آنجاکه در بیماری حسد همیشه شخص دومی نیز وجود دارد، اثرات حسادت از قالب فرد خارج می‌شوند و دامن‌گیر افراد دیگر و محیط شخص حسود می‌گردند. اثرات اجتماعی بیشتر از دسته رفتاری‌اند؛ یعنی در عملکرد شخص حسود نمود می‌یابند و اثرات آن متوجه دیگران است. بعضی اثرات حسادت همچون کینه، بخل، خشم و تندخویی که در دسته اثرات فردی طبقه‌بندی شدند، در دسته آثار اجتماعی نیز خواهند آمد؛ زیرا جنبه رفتاری و عملکردی پیدا می‌کند و علاوه بر تأثیر بر خلق و خوی خود فرد، اثرات بیرونی فراوانی هم دارند.

ویژگی‌های مزبور کم‌کم در رفتار شخص آشکار می‌شوند و چون فرد نمی‌تواند حسادت را برای همیشه پنهان نگاه دارد (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۶۸۹۹) طولی نمی‌کشد که دوستان خود را از دست می‌دهد و تنها می‌ماند (همان، ج ۶۸۴۸). به همین ترتیب گستره اثرات حسادت کم‌کم وسیع‌تر می‌شود. حضرت علی (ع) در خطبه قاصعه می‌فرمایند: «مانند قابیل نباشید که بدون اینکه فضیلتی در او باشد بر هابیل تکبر ورزید و حسادت او منجر به خودبینی شد و آتش خشم در دل او شعله‌ور شد. شیطان باد

تکبر را در بینی او دمید» (نهج البلاغه، ۱۴۰۴، خ ۱۹۲؛ جرداق، ۱۳۷۳، ص ۲۲۵). به این ترتیب نخستین حسادت فرزند آدم، منجر به قتل برادر شد. شخص حسود دست به انجام هر عملی می‌زند تا نعمت محسود را زایل کند و همین مسئله کینه (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۶۸۸۷) و خشم نسبت به محسود ایجاد می‌کند.

از جمله کارهای دیگری که حضرت علی (ع) به حسود نسبت می‌دهند کوتاهی در ستودن دیگران (نهج البلاغه، ۱۴۰۴، خ ۳۴۷)، تشکر نکردن در مقابل خوبی دیگران (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۳۴)، بخل نسبت به چیزی که شخصی مالک آن نیست (کراجکی، ۱۴۱۰، ص ۱۳۶)، تندخویی و عصبانیت (همان، ج ۱، ص ۱۳۷) است.

حضرت علی (ع) در سخنی گهربار اثرات اجتماعی حسادت را بیان فرموده است: «إذا مطر التحاسد نبت التفاسد» (همان؛ هنگامی که باران حسد ببارد، فساد خواهد رویید).

منظور حضرت علی (ع) از فساد می‌تواند انجام دیگر گناهان باشد؛ چون حسادت زمینه را برای بروز گناهان دیگر فراهم می‌کند (نهج البلاغه، ۱۴۰۴، خ ۳۷۱)؛ گناهایی همچون غیبت، دورویی، کینه و ظلم (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۳۱) که اثرات اجتماعی‌شان واضح است (هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۲۱، ص ۴۵۷). عبارت «مطر» نیز می‌تواند استعاره از گستره وسیع، تحت شمول حسادت باشد. موارد دیگری هم که می‌توانند مصداق فساد باشند ناهنجاری‌های اجتماعی همچون جنگ‌های بین ملت‌ها، قتل (طبری آملی کبیر، ۱۴۱۵، ص ۳۹۸) و غارت هستند. حسادت می‌تواند مانعی برای حرکت تکاملی تاریخ شود. ابلیس به دلیل حسادت (نهج البلاغه، ۱۴۰۴، خ ۱) می‌خواست از این واقعه که در آینده انسان‌هایی برتر از فرشتگان پا به عرصه وجود می‌نهند جلوگیری کند. برادران یوسف از آینده درخشان برادر خود بیم داشتند و می‌خواستند مانع از آن شوند (فارسی، ۱۳۷۴، ص ۳۱۴). دنیادوستی صحابه پیامبر و حسدورزی آنها بود که می‌خواستند جریان‌ها را واپس برانند (نهج البلاغه، ۱۴۰۴، خ ۱۶۹) و به این ترتیب حق را از حق‌دار برابند.

بعضی از اثرات اجتماعی حسادت، آثار معنوی آن هستند. از اثرات معنوی حسادت را می‌توان زایل شدن ایمان از شخص حسود نام برد (نهج البلاغه، ۱۴۰۴، خ ۸۶)؛ ایمانی که راهبر انسان به کارهای خیر و نیکوست و می‌تواند سبب آبادانی علم شود (نهج البلاغه، ۱۴۰۴، خ ۱۵۶). در نبود ایمان کارهای خیر و عام‌المنفعه نیز وجود نخواهند داشت. از سوی دیگر، وقتی در یک اجتماع حس حسادت و بدخواهی حکم‌فرما شد، نفاق و دورویی حاکم می‌شود و حس همکاری و تعاون از بین

ح ۸۷۴) و درست‌اندیشی (همان، ح ۱۱۰۰۳) می‌دانند و از قناعت به حیات طیبه تعبیر می‌کنند (نهج‌البلاغه، ۱۴۰۴ق، خ ۲۲۳). ایشان قناعت را موجب عزت نفس می‌دانند (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۹۰۰۹) و می‌فرمایند قناعت آن است که به آنچه خداوند قسمت تو کرده است راضی باشی (لثی واسطی، ۱۳۷۶، ح ۴۶۷، ص ۲۳۳). ایشان سالم‌ترین مردم را کسی می‌داند که رضایت بیشتری نسبت به روزی مقررشده خداوند داشته باشد (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۱۸۱۶) و سلامت دین انسان را در قناعت به اندک می‌داند (همان، ح ۹۰۷۵).

۳-۴. سلامت اجتماعی

بعد دیگر از ابعاد سلامت، بعد اجتماعی آن است. سلامت اجتماعی شامل بودن محیط اجتماع پیرامون فرد است. روابط متقابل اجتماعی، احترام متقابل، احترام به حقوق دیگران و مانند آن از ضرورت‌های سلامت جامعه است که خود زمینه‌ای برای حفظ سلامت روان است. در منطق حضرت علی (ع) انسان باید همان‌گونه که دوست دارد به او نیکی شود، به همه مردم نیکی کند و برای آنها همان را بخواهد که برای خود می‌خواهد و برای خویش همان را زشت بداند که نسبت به دیگران زشت می‌داند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۷). همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفتیم سلامت و بهداشت روان نزد دانشمندان نیز به وضعیت مطلوب و خوب جسمی، روحی و اجتماعی فرد که قابلیت ارتباط متعادل و هماهنگ با دیگران را داشته باشد اطلاق می‌شود.

اینک به بررسی چگونگی تأثیر حسادت بر ابعاد مختلف زندگی انسان می‌پردازیم. از آنجاکه جنبه‌های فردی و اجتماعی حسادت تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند بررسی آنها را در کنار هم پی خواهیم گرفت.

۴-۴. چگونگی تأثیر حسادت از نظر علوم روز و کلام امام علی (ع)

در تعریف سلامت جسمانی، به عملکرد درست اعضای بدن اشاره کردیم. حسادت چه تأثیری بر این عملکرد دارد که موجب بیماری شخص حسود می‌گردد؟ آنچه مسلم است اثرات جسمانی، متأخر از آثار روحی- روانی و ذهنی- فکری هستند؛ چون حسادت ابتدا بر فکر و ذهن و سپس روح و روان انسان اثر می‌گذارد و در مرحله بعد جسم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دسته‌ای از اثرات روحی- روانی در کلام حضرت علی (ع) با تعبیری همچون غم و اندوه، حزن همیشگی، از دست دادن نشاط و شادی و سرور بیان شده است. موارد مزبور در کلام امام علی (ع) تعاریفی

می‌رود. حضرت علی (ع) حسادت را از صفات منافقان (نهج‌البلاغه، ۱۴۰۴ق، خ ۱۹۴) و دورویی و نفاق را از صفات حسودان برمی‌شمارد (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۶۸۴۱). جوامع علمی نیز از گزند بیماری حسادت به دور نیستند. حضرت علی (ع) یکی از علل عذاب فقها را حسادت آنان می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۶۲). از علل عدم پیشرفت جوامع بشری، حسادت و حسرت و اندوه به سبب نداشتن نعمتی است که دیگران دارند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «در قلب خود نسبت به آنچه نداری ناراحت نباش، زیرا فرصت‌های باقی‌مانده را از دست می‌دهی» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۷۴۶۰). استفاده نکردن از فرصت‌ها را می‌توان عاملی برای عدم پیشرفت و تنزل جامعه به حساب آورد.

از مجموع آنچه گذشت، به دست آمد که اثرات فردی به اثرات جسمانی، روانی و ذهنی تقسیم می‌شوند. با توجه به نکات مزبور می‌توان گفت اثرات فردی و اجتماعی به طور کامل از یکدیگر تفکیک‌پذیر نیستند؛ همان‌گونه که اثرات مختلف فردی نیز جدایی‌ناپذیرند و تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. اثرات ذهنی بر روح و روان شخص تأثیر دارند و ناراحتی‌های روحی نیز به بیماری‌های جسمی می‌انجامد.

۴. تحلیل و چگونگی تأثیرات حسادت

چگونه یک گناه یا یک هیجان می‌تواند چنین تأثیرات همه‌جانبه و وسیعی داشته باشد. برای پاسخ به این پرسش باید تعریف درستی از ابعاد سلامت جسمی، روانی و اجتماعی داشته باشیم.

۱-۴. سلامت جسمانی

بعد سلامت جسمانی، تعریفی ساده دارد. در حقیقت سلامت جسم بر اثر عملکرد درست اعضای بدن حاصل می‌شود و هر آنچه این عملکرد را تضعیف کند، می‌تواند به عدم سلامت جسمانی بینجامد. از نظر دین اسلام، سلامت جسمانی یکی از بالاترین نعمت‌هاست که خداوند به بشر ارزانی داشته است (همان، ح ۱۱۱۴۸).

۲-۴. سلامت روانی

سلامت روانی به معنای نبود بیماری روانی نیست و نسبت به سلامت جسمانی معنای وسیع‌تری را دربر دارد. سلامت روح و روان در دین اسلام، تعادل بین جنبه‌های مختلف وجود انسان و دوری از گناه است. در فرهنگ دینی از سلامت روح و روان به «حیات طیبه» تعبیر شده است (شجاعی و حیدری، ۱۳۸۸، ص ۶۵). حضرت علی (ع) سلامت را در دوری از هوای نفس (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق،

خاص دارند. ایشان غم و اندوه را «مرض النفس» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۷۴۵۰)، «ینحل البدن» (همان، ح ۷۴۴۹)، «احدالهرمین» (همان، ح ۷۴۵۴) و مانند آن می‌داند.

از نظر علم روز در حالت اندوه بر اساس نوع و شدت آن میزان سروتونین (سروتونین را هورمون خوشبختی می‌نامند چون موجب شادی می‌شود) (گایتون، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۱۷۳) و نوراپی نفرین (همان، ص ۱۷۹) کاهش می‌یابد. کاهش شدید این هورمون‌ها منجر به حالات شدید افسردگی می‌شود. افسردگی جزو بیماری‌های روانی است که انسان را از کلیه فعالیت‌های اجتماعی دور می‌کند و روحی بیمار به او می‌بخشد. بیماری‌های روانی بر جسم شخص نیز تأثیر دارند و عملکرد اعمال بدن را مختل می‌کنند (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۲، ص ۱۹۱).

از سوی دیگر غم و اندوه طول عمر طبیعی فرد را نیز مختل می‌کنند و سبب کوتاه شدن عمر می‌شوند. قرآن نیز سفید شدن چشمان حضرت یعقوب را به حزن و اندوه او نسبت می‌دهد (نجاتی، ۱۳۶۷، ص ۱۴۰). نبود شادی و سرور نیز اثراتی بر زندگی انسان دارد. نفس آدمی زمانی که آسوده است و نشاط دارد، کارهایش را درست انجام می‌دهد و تعادل در بدن برقرار است. امام علی (ع) غم و اندوه را عاملی برای گرفتگی وجود آدمی و سرور و شادی را مسبب گشایش و نشاط می‌داند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۷۴۵۵ و ح ۷۳۹۱).

از دیگر اثرات روحی روانی که ذکر شد خشم، عصبانیت و تندخویی شخص حسود است. خشم و عصبانیت اثرات نامطلوبی بر تن و بدن انسان دارند. امام علی (ع) در تعریف خشم عباراتی مانند آتش سوزان (همان، ح ۶۸۹۶)، جنون (همان، ح ۶۸۹۸)، عامل فساد عقل (همان، ح ۸۶۲) و کینه (همان، ح ۶۷۷۶) را بیان کرده‌اند. خشم نه تنها سکونت و آرامش روانی انسان را مختل می‌کند، اثرات جسمی مختلفی نیز دارد. هنگام عصبانیت به علت ترشح هورمون آدرنالین و نورآدرنالین خون بسیاری وارد قلب می‌شود؛ رنگ رخسار انسان دگرگون می‌گردد و همه اعضا تحت تأثیر قرار می‌گیرند (گایتون، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۷۹). بسیاری از سکنه‌های قلبی بر اثر خشم شدید رخ می‌دهند و بسیاری از بیماری‌های اعصاب، سل ریوی و انواع خونریزی‌ها ناشی از اثرات شوم خشم‌اند (موسوی لاری، ۱۳۶۲، ص ۱۵۱ و ۱۵۲). دکتر ماردن می‌گوید:

خشم اشتها را از میان می‌برد؛ هضم را مشکل می‌سازد؛ موازنه اعصاب را ساعت‌ها و حتی روزها بر هم می‌زند؛ به تمام مکانیسم جسمانی و نیروی دماغی آسیب وارد می‌کند. حتی عصبی شدن مادر شیرده ممکن است بچه او را با شیر مسموم کند (همان؛ اصفهانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳).

به گفته حضرت علی (ع) آن کس که عنان خشم خویش را رها کند، به سرعت مرگش فرا می‌رسد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۶۹۰۳). ایشان خشم را آتشی فروزنده می‌دانند که هر کس آزادش گذارد، خود او نخستین کسی است که بدان آتش بسوزد (همان، ح ۶۸۹۵).

خانم لوییز می‌بسیاری از بیماری‌ها را به انواع احساسات منفی و برخی گناهان مرتبط می‌داند. ایشان اندوه شدید را به بیماری سرطان، ناراحتی‌های ریوی و دیابت ربط می‌دهد و کینه شدید را عاملی برای کوری تدریجی می‌داند. وی همچنین فقدان لذت جاری از زندگی را که یکی از عوارض حسد است، مسبب عفونت‌های ویروسی می‌داند و خشم و عصبانیت شدید را با بیماری نقرس و بیماری‌های پوستی مرتبط می‌پندارد. ایشان با بیان این مطلب و ارائه الگوی جدید فکری که شامل اندیشه‌های خوب و مثبت است، معتقد است جسم انسان با این افکار جدید شفا می‌یابد (هی، ۱۳۹۳، فصل ۱۵).

عدم رضایت از زندگی یکی دیگر از آثار روحی حسد است که در زندگی شخص حسود نمود یابد. راضی نبودن از زندگی می‌تواند به عدم آرامش در زندگی فرد بینجامد. بشر به طور طبیعی تمایل دارد خود را با دیگران و داشته‌های ایشان بسنجد. حال اگر این مقایسه در مسائل مادی به صورت صعودی (پسندیده، ۱۳۸۴، ص ۱۲۹) باشد می‌تواند منجر به عدم رضایت شخص از زندگی و یا حسادت گردد. برای رضایت از زندگی باید بین انتظارات و واقعیت‌های زندگی انسان هماهنگی وجود داشته باشد. امام علی (ع) می‌فرماید: «هرگاه آنچه را خواستی نشد، آنچه را شد بخواه» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۹۰۰۷). پس ارزیابی غیرواقعی انسان از زندگی خود و دیگران مسبب عدم رضایت او از زندگی می‌شود، درحالی‌که اگر به قانون روزی خداوند باور داشته باشد، رضایت زندگی برای او حاصل می‌شود. امام علی (ع) روزی انسان را بر دو قسم کرده است: چیزهایی که روزی ما نیستند؛ نه در گذشته به ما رسیده‌اند و نه در آینده خواهند رسید و چیزهایی که به عنوان روزی ما تعیین شده‌اند و به ما خواهند رسید (نهج البلاغه، ۱۴۰۴ق، نامه ۳۱). شخص حسود قانون روزی خداوند را باور ندارد که آرزوی نعمت دیگری را می‌کند؛ درحالی‌که راضی بودن به تقدیر و روزی الهی سبب آرامش و آسایش انسان است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۱۸۳۵ و ۱۸۵۱ و ۱۸۵۳).

یکی از پیامدهای دیگر حسادت، ذهنیت نادرستی است که برای شخص حسود پدید می‌آید. پرسش این است که این تفکر نادرست چگونه بر زندگی انسان تأثیر می‌گذارد. شخص حسود به جای حس خیرخواهی که از لوازم انسانیت است، بدخواه دیگران می‌شود. حضرت علی (ع) فکر ناصحیح و اندیشه بد را با تعبیر «سوءالضمائر» یاد می‌کنند و می‌گویند میان شما را ناپاکی باطن‌ها و بدی اندیشه‌ها

جدایی انداخته است (نهج البلاغه، ۱۴۰۴ق، خ ۱۱۳). ایشان سپس عوارض اجتماعی «سوء الضمائر» و «خبث السرائر» را برمی‌شمارند و می‌فرمایند بدین جهت بار یکدیگر را بر نمی‌دارید، پند و اندرز نمی‌دهید، همدیگر را نمی‌بخشید و با هم دوستی نمی‌کنید.

روان‌شناسان بر این باورند در صورتی که مغز انسان اوصافی را آرزو کند، سرانجام به آن اوصاف خواهد رسید. در روان‌شناسی *نرمان ال مان* آمده است تفکر درباره عملی موجب می‌شود که آن عمل به صورتی خفیفی انجام شود. مثلاً اگر درباره بستن دست فکر کنیم، عضلات دست کمی کشیده می‌شوند و جریان عصبی ایجاد می‌شود. پس بهتر است انسان داشتن خصایص و اخلاق خوب را آرزو کند تا آمادگی پذیرایی از اخلاق خوب را بیابد (موسوی لاری، ۱۳۶۲، ص ۱۰۸). امام علی (ع) نیز بر داشتن آرزوی خصایص نیک و صفات پسندیده تأکید ورزیده‌اند (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۰، ح ۴۰۴۵؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۷۳۲۴). پس اگر اندیشه و فکر افراد تصحیح شود، احساسات و رفتار او نیز اصلاح می‌گردد.

از سوی دیگر از آنجاکه شخص حسود همه اندیشه‌اش پیرامون محسود دور می‌زند، نفس او به آن سرگرم می‌شود و لذا در اموری که برای بدن مهم هستند کمبود پیدا می‌کند و این حتی بر هضم غذای او نیز تأثیر می‌گذارد (دستغیب شیرازی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۱-۱۸۲). همچنین اشتغال به امور غیرمهم انسان را از مهمات زندگی بازمی‌دارد و آدمی از گام برداشتن در مسیر تکامل انسانی باز می‌ماند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۱۰۹۳۵).

یکی دیگر از اثرات حسادت، فرو رفتن در گناهان است. اثر تاریک‌کننده گناهانی همچون حسد، میل و رغبت انسان به گناهان دیگر را افزایش می‌دهد. در مقابل، عبادت و بندگی خدا میل انسان را به کارهای نیک افزایش می‌دهد و تیرگی گناهان را از بین می‌برد. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرمایند: «اگر در کسی صفت و خوی شگفت‌آوری باشد (خواه نیک، خواه زشت) همانندهای آن را منتظر باشید» (نهج البلاغه، ۱۴۰۴ق، حکمت ۴۴۵).

حضرت علی (ع) در خطبه قاصعه اثرات متقابل روحی روانی و اجتماعی گناهانی همچون حسد را بیان کرده است. ایشان عامل عزت، سلامت و عافیت امت‌های گذشته را اجتناب از تفرقه، مهربانی کردن، ترغیب و سفارش یکدیگر به مهربانی، و عامل شکست آنها را کینه‌ورزی در دل‌ها، دشمنی داشتن در سینه‌ها، پشت کردن به یکدیگر و یاری نکردن دست‌ها به یکدیگر می‌داند (نهج البلاغه، ۱۴۰۴ق، خ ۱۹۲).

عواملی که امام علی (ع) از آنها به عنوان عامل شکست ستون فقرات پیشینیان نام می‌برند، از عوارض و اثرات گناهانی مانند حسد، کینه و بخل هستند (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۸۹). ایشان از اثرات اجتماعی این گناهان نیز با عنوان تفرقه، پشت کردن به یکدیگر و یاری ندادن به هم یاد می‌کنند.

بنابراین حالات روحی و روانی ناشی از حسد، روابط اجتماعی انسان با دیگران را مختل می‌سازند و تمایل او به روابط اجتماعی مناسب را کاهش می‌دهند (اصفهانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳)، بلکه همه ابعاد سلامتی وجود انسان را نیز در معرض خطر قرار می‌دهند.

نتیجه‌گیری

گناه حسادت علاوه بر اثرات اخروی و تأثیرات تاریک‌کننده و کدورت‌آور، پیامدهای مادی بسیاری دارد. این پیامدها تنها جنبه فردی ندارند و به طور وسیعی جامعه پیرامون فرد را نیز گرفتار می‌سازند. اثرات فردی حسادت که شامل جنبه‌های جسمانی، روانی و ذهنی هستند از یکدیگر متأثرند و اثرات فردی و اجتماعی نیز از هم تأثیر می‌پذیرند. این پیامدها ناتوان‌کننده و دردآورند. در چگونگی اثرگذاری این پیامدها به این نتیجه رسیدیم که اثرات مادی حسادت به صورت چندجانبه تأثیرات خود را اعمال می‌کنند. تأثیر ذهن بر رفتار انسان، تأثیر عوارض روانی بر ذهنیت انسان و همچنین بر سلامت جسمانی شخص حسود، او را از روابط اجتماعی درست و سالم دور می‌سازد. در مجموع می‌توان گفت حسادت مانع از سلامت کامل جسمی، روحی و اجتماعی فرد می‌شود.

منابع

نهج البلاغه، ۱۴۰۴ق، قم، هجرت.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آية الله المرعشی النجفی.

ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، النهایة، قم، اسماعیلیان.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، ج دوم، قم، جامعه مدرسين.

ابن فارس، احمد بن، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، ج سوم، بیروت، دار الفكر.

اصفهانى، محمدمهدى، ۱۳۸۸، آیین تندرستی، تهران، تندیس.

انصاری قمی، محمدعلی، ۱۳۳۶، ترجمه غرر الحکم و درر الکلم، تهران، بی نا.

آذربایجانی، مسعود، ۱۳۷۸، روان شناسی دین از دیدگاه جیمز، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین، ۱۳۶۶، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج چهارم، تهران، دانشگاه تهران.

بحرانی، میثم بن علی بن میثم، ۱۳۷۵، شرح ابن میثم، تحقیق قربانعلی محمدی و علی اصغر نوایی، مشهد، آستان قدس رضوی.

پسندیده، عباس، ۱۳۸۴، رضایت از زندگی، قم، دارالحديث.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

جرداق، جورج، ۱۳۷۳، بخشی از زیبایی های نهج البلاغه، ترجمه محمدرضا اسلامی، تهران، کانون انتشارات محمدی.

جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، صحاح اللغة، بیروت، دارالعلم للملایین.

دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین، ۱۳۷۰، اخلاق اسلامی، قم، اهل بیت.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات، دمشق، دارالقلم.

سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۲، توصیف های بالینی و رهنمودهای تشخیصی، ترجمه محمدرضا نیکخو و دیگران، ژنو.

سروش، محمدعلی، ۱۳۵۸، شعله های سرد، قم، دارالحديث.

شجاعی، محمدصادق و مجتبی حیدری، ۱۳۸۸، نظریه های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی.

صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، ج دوم، قم، جامعه مدرسين.

طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، ۱۴۱۵ق، المسترشد، قم، کوشانپور.

عسکری، حسن بن عبدالله، ۱۴۰۰ق، فروق فی اللغة، بیروت، الآفاق الجديدة.

غزالی، ابوحامد، ۱۳۵۴، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، فرانکلین.

فارسی، جلال الدین، ۱۳۷۴، فرهنگ واژه های انقلاب اسلامی، تهران، بی نا.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، العین، ج دوم، قم، هجرت.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بی تا، قاموس المحيط، بیروت، دار الکتب العلمیة.

فیض الاسلام، ۱۳۷۹، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج پنجم، تهران، فیض الإسلام.

کراجکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ق، کنز الفوائد، قم، دارالذخائر.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، کافی، ج چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية.

گایتون، هال، ۱۳۸۹، فیزیولوژی پزشکی، ترجمه فرخ شادان، تهران، چهر.

لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ، قم، دار الحديث.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، ج دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۵، پیام امام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

موسوی لاری، مجتبی، ۱۳۶۲، بررسی مشکلات اخلاقی و روانی، ج پنجم، تهران، صدر.

نجاتی، محمدعثمان، ۱۳۶۷، قرآن و روان شناسی، ترجمه عباس عرب، مشهد، آستان قدس رضوی.

نراقی، ملا احمد، ۱۳۸۷، معراج السعادة، ج ششم، قم، قائم آل محمد.

هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۰ق، منهاج البراعة، ج چهارم، تهران، مکتبه الإسلامية.

هاشمی خراسانی، حجت، ۱۳۷۰، شرح صدوده کلمه از کلمات امیرالمؤمنین، قم، حاذق.

هی، لویی آل، ۱۳۹۳، شفای زندگی، ترجمه لیلا آزادی، ج سوم، تهران، معیار اندیشه.